



نخواهد برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ فَلْيُكُنْ أَمْرُهُ ذَلِكَ بِمَعْرُوفٍ!» هر کس [مردم را] به کارهای نیک بخواند باید با شیوه نیکو آن را انجام دهد. «بنابراین تبلیغ و ارشاد موفق و مؤثر نیاز به برنامه‌های کارشناسی شده دارد و اگر بتوانیم این شیوه‌ها را از گفتار و رفتار اهل بیت علیهم السلام و اولیاء الهی بیاموزیم به مراتب مؤثرتر و شایسته‌تر خواهد بود. در این مقاله برآنیم که راهکارها و روش‌های مؤثر در امر تبلیغ و ارشاد را از سیره امام حسین علیه السلام و تربیت یافتگان مکتب

شناختن شیوه‌های تبلیغ و به کارگیری ابزارهای مفید و لازم برای یک مبلغ امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. پرداختن به تبلیغ بدون اطلاعات مفید و عدم به کارگیری شیوه‌های لازم و فراهم نمودن ساز و کارهای مناسب نه تنها نتیجه مثبت نخواهد داشت، بلکه ممکن است در اثر بی توجهی، لطمه‌های جبران‌ناپذیری به اعتقادات و باورهای مخاطبان وارد آید. کسی که متولی ارشاد، امر به معروف و نهی از منکر می‌شود، اگر به زمینه‌ها، عوامل، آفات، موانع و شرایط زمانی و مکانی و سایر جهات توجه نداشته باشد راه به جایی

عاشورا پیاموزیم.

۱- تواضع و فروتنی

یکی از بهترین صفات پیامبران و منادیان توحید، خصلت پسندیده تواضع و فروتنی بود. آنان با این صفت زیبا، در دل مخاطبان حقیقت‌جو جایگاه ویژه‌ای کسب می‌کردند. مبلغان موفق همیشه متواضع بوده و از این طریق در هدایت و جذب دل‌های مردم می‌کوشند. آنان بر این باورند که اگر مردم به سراغ آن‌ها نیامدند، آن‌ها باید متواضعانه قدم پیش گذاشته و به سراغ متربیان و متعلمان بروند.

این شیوه نیکو در رفتار و گفتار امام حسین علیه السلام در حماسه عاشورا جلوه خاصی دارد. آن حضرت برای پیشبرد اهداف مقدس خویش، متواضعانه قدم پیش گذاشته و در جذب و جلب افراد، خودش مستقیماً به سراغ آنان رفته و آن‌ها را به سوی مقصد والای خویش دعوت می‌کرد و یا پیام‌های خود را به صورت کتبی یا شفاهی توسط افرادی به دیگران می‌فرستاد. هنگامی که امام حسین علیه السلام با یاران خود در یکی از توقفگاه‌های

مسیر خود به کربلا به نام قصر بنی مقاتل رسیدند، آن حضرت متوجه شد که عبید الله بن حرّ جعفری در گوشه‌ای فرود آمده است. آن حضرت حجّاج بن مسروق را به سوی او فرستاد و او را به یاری و همراهی دعوت نمود. هنگامی که پاسخ مناسبی نداد، امام حسین علیه السلام به همراه گروهی از یاران خویش به نزد عبید الله رفته و در ضمن سخنانش او را دعوت به همکاری و مبارزه با طاغوتیان نمود. عبید الله باز هم امتناع کرد، امام حسین علیه السلام به او فرمود: اگر ما را یاری نمی‌کنی پس از خدا بترس از اینکه با دشمنان ما همراهی کنی! به خدا سوگند! هرگاه کسی صدای دادخواهی ما را بشنود و به یاری ما نشتابد هلاک خواهد شد.»

یکی دیگر از افرادی که امام حسین علیه السلام از او دعوت کرد، زهیر بن قین بود. همچنین آن حضرت به حبیب بن مظاهر اسدی نامه‌ای نوشته و از او درخواست یاری نمود. نامه آن حضرت چنین بود: «از حسین بن علی برای آن مرد فقیه، حبیب بن مظاهر؛ اما بعد، حبیب! تو خویشاوندی ما را با

شخصیت او را تحقیر نموده و به او اهانت کرده‌اند.

۶- در نظر او نماز خواندن چیز مهمی نیست و اهمیّت و ضرورت آن را درک نکرده است.

۷- الگوی مناسبی برای نماز خواندن نداشته است.

۸- در محیط افراد لایبالی و بی نماز رشد یافته است. و ...

بنابراین یک مبلّغ با یافتن ریشه‌ها و علل تخلفات و معصیت‌ها می‌تواند برنامه خود را تنظیم کرده و نسبت به مخاطب خویش کارهای تبلیغی را انجام دهد.

تغذیه حرام ریشه انحراف از حق

امام حسین علیه السلام در دومین سخنرانی روز عاشورا هنگامی که دشمن مانند حلقه انگشتر آن حضرت را در میان خویش گرفته بود، از آنان خواست تا سکوت کنند و به سخنان وی گوش فرادهند، ولی آنان همچنان هلهله و سر و صدا می‌کردند. در این موقع، امام حسین علیه السلام با این جملات آنان را به سکوت فراخواند: «وَيَلْغَمُ مَا

پیامبر می‌دانی و از همه مهم‌تر مرا می‌شناسی؛ و تو -که آزاد مرد و دارای غیرتی- جان خود را از ما دریغ ندار و پاداش تو را در قیامت پیامبر خواهد داد.^۱

۲- توجه به ریشه‌ها و زمینه‌های

گناه

مبلّغ مذهبی باید به زمینه‌های خلافکاری و ریشه‌های گناه توجه کرده و مخاطبان خود را از آنها برحذر دارد. مثلاً ممکن است نماز نخواندن افراد علل جداگانه و ریشه‌های مختلفی داشته باشد، از قبیل:

۱- حکم آن را در اسلام نمی‌داند و به وظیفه شرعی خویش آشنا نیست.

۲- به آثار خوب نماز خواندن و عواقب شوم ترک نماز توجه ندارد.

۳- شخصی خودپرست و هوسران است و مطابق هوس خود عمل می‌کند.

۴- پدر و مادر و افراد خانواده او بی نمازند.

۵- از نماز و نمازگزاران خاطره بدی دارد. مثلاً در ایام کودکی او را همیشه با خشونت به نماز خواندن وادار کرده‌اند یا در جمع نمازگزاران

۱- اسرار الشهادة، ص ۳۹۶.

ویژه کسانی که سطح فکری پایین تری دارند، استفاده از تمثیل است. مبلغ کاردان بسیاری از نکات مهم عقلانی را با مثال‌های مناسب در اذهان مخاطبین خویش مجسم ساخته و خواسته‌های خویش را به گونه‌ای شایسته به افکار آنان منتقل می‌نماید. مثال اگر با سطح زندگی و طرز اندیشه و شغل و فرهنگ مخاطب سازگار باشد، توفیق یک مبلغ را در کار تبلیغ افزایش خواهد داد. این شیوه یکی از رایج‌ترین روش‌های تبلیغ در کلام وحی است. خداوند متعال برای تصویر عالمان بی عمل در اذهان افراد، چنین مثل می‌زند: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَا يُحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجَمَلِ يُحْمَلُ أَثْقَارًا»؛ «مثل کسانی که علم تورات را باخود داشتند و به آن عمل نکردند، مثل درازگوشی است که کتاب‌هایی حمل می‌کند».

این شیوه کارآمد قرآنی در حماسه عاشورا مشهود است. حضرت ابا عبدالله علیه السلام در تشریح اهداف قیام خویش از شیوه تمثیل بهره گرفته و

عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْصِتُوا إِلَيَّ فَتَسْمَعُوا وَإِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ. مَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْتَدِينَ وَمَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلَكِينَ وَكُلُّكُمْ غَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرٌ مُسْتَمِعٍ لِقَوْلِي؛ وای بر شما! چرا گوش فرانمی‌دهید تا گفتارم را - که شما را به رشد و سعادت فرا می‌خوانم - بشنوید؟ هرکس از من پیروی کند خوشبخت و سعادت‌مند است و هرکس مرا نافرمانی کند، از هلاک شدگان خواهد بود. و همه شما با دستور من مخالفت می‌کنید که به گفتارم گوش فرانمی‌دهید».

آنگاه به علل دشمنی کوفیان با اهل بیت علیهم السلام و ریشه‌های انحراف از مسیر حق اشاره کرده و فرمود: «قَدْ انْحَزَلَتْ عَطَاؤُكُمْ عَنِ الْحَرَامِ وَمُلِئْتُمْ بَطُورَتِكُمْ عَنِ الْحَرَامِ فَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِكُمْ»؛ آری، در اثر هدایا، جوایز و تحفه‌های نامشروع که به دست شما رسیده و غذاهای حرام و لقمه‌های ناپاک که شکم‌هایتان را از آن انباشته‌اید، خداوند این چنین بر دل‌های شما مهر زده او از فهمیدن حقیقت عاجز شده‌اید.»

۳- استفاده از مثال

از مؤثرترین شیوه‌های تبلیغی برای فهماندن مطالب به مخاطب، به

۱- سخنان حسین بن علی علیه السلام، ص ۱۷۰.

۲- جمعه / ۵.

اشتیاق خود را برای شهادت در راه حق چنین بیان می‌کند: «حُطَّ الْمَوْتُ عَلَيَّ وَوُلِدَ آدَمَ مَخْطُ الْقَلَادَةِ عَلَيَّ جَنِيْدَ الْفِتَاةِ وَمَا أَوْلَاهَنِي إِلَيَّ أَسْلَافِي اِسْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَيَّ يُوْسُفَ؛ مرگ برای انسان‌ها همچون گردنبند برگردن دختران جوان زینت بخش و لازم است و من به دیدار نیاکامم آنچنان اشتیاق دارم که یعقوب به دیدار یوسف مشتاق بود.»

امام حسین علیه السلام با این تمثیل، مرگ را بسیار زیبا تصویر کرده و آن را زینت فرزند آدم می‌داند، به ویژه مرگی که در راه حق و برای خدا باشد که همانند زیور آلاتی است که دختران جوان را می‌آراید. همانگونه که دختران از آرایش به گردنبند لذت می‌برند مردان خدا نیز از کشته شدن در راه حق مسرور و شادمانند. و شهادت در راه خدا را بهترین زینت روح و بالاترین افتخار به شمار می‌آورند.

۴- بهره‌گیری از تحریک عواطف

گاهی ممکن است یک مبلغ برای تحت تأثیر قرار دادن مخاطبان خود از شیوه تحریک عواطف برای بیدار کردن وجدان‌های خفته کمک بگیرد. خداوند متعال در قرآن از این روش

برای دور نمودن انسان‌ها از گناه استفاده نموده و برای بیدار نمودن وجدان‌های خفته مخاطبین خویش، یافته‌های درونی و انگیزه‌های فطری آنان را به کار می‌گیرد و با طرح سؤالات عاطفه برانگیز، سعی در هدایت و تلطیف قلب و روح آنان دارد. مبلغ موفق، از این شیوه بهره گرفته و افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او در شرایطی که روح شنوندگان خود را با طرح سؤالات و نکات عاطفی و احساس برانگیز آماده پذیرش سخنان خود نموده است، به نحو شایسته‌ای در وجود آنان رسوخ کرده و بر تأثیر سخن خود می‌افزاید. این روش در حماسه عاشورا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و گذشته از اینکه از همان روز عاشورا نتایج آن به بار نشست و افرادی را تحت تأثیر قرار داده و به سوی حق رهنمون شد، در طول قرن‌ها بر قلوب هزاران مشتاق هدایت ریشه دوانیده تا آنجائی که نام حسین علیه السلام، عاشورا و کربلا و سایر واژه‌های مقدس عاشورایی در هر

مکانی، عاطفه‌ها و احساسات مقدس را برانگیخته و مایه رشد و تعالی و هدایت آنان شده است. در اینجا به نمونه‌هایی از این شیوه در فرهنگ عاشورا اشاره می‌کنیم:

* امام حسین علیه السلام پس از شهادت یاران باوفایش و در لحظه‌های حساس عصر عاشورا، قنذاقه کودک شش ماهه خویش را بر روی دست گرفت و خطاب به کوفیان فرمود: «يَا قَوْمِ أَمَا مِنْ مُجِيرٍ يُجِيرُنَا، أَمَا مِنْ مُغِيثٍ يُغِيثُنَا، أَمَا مِنْ طَالِبٍ حَقٍّ فَيَنْصُرُنَا، أَمَا مِنْ خَائِفٍ فَيَدُبُّ عَنَّا، أَمَا مِنْ أَحَدٍ فَيَأْتِينَا بِشَرْبَةٍ مِنَ الْمَاءِ لِهَذَا الطِّفْلِ فَإِنَّهُ لَا يَطْبِقُ الظَّمَاءَ؟» ای مردم! آیا پناه دهنده‌ای هست که ما را پناه دهد؟ آیا یاری کننده‌ای هست که ما را یاری کند؟ آیا حق طلبی هست که به ما کمک کند؟ آیا کسی هست که از قیامت بترسد و از مادفاع کند؟ آیا کسی هست که آبی برای این طفل بیاورد؟ چون او طاقت تشنگی ندارد.»

تماشا می‌کنی؟
این سخن حضرت زینب به عنوان مبلغ حماسه عاشورا آن چنان قاطع و کوبنده بود که برای لحظاتی دل سنگ دشمن را تکان داد و دقایقی وجدان خفته عمر سعد را متأثر نمود و اشک بر گونه‌هایش جاری شد. او از شدت شرمندگی صورت خود را از حضرت زینب علیه السلام مخفی نمود.^۱ آن گاه زینب کبری علیه السلام با جمله‌ای دیگر خطاب به لشکریان حاضر در صحنه گفت: «وَلَيْكُمُ أَمَا فِيكُمْ مُسْلِمٌ؟»^۲ ای بر شما! آیا در میان شما یک مسلمان

* حضرت زینب کبری علیه السلام در موارد متعددی از تحریک عواطف در رساندن پیام عاشورا بهره می‌گرفت. در آخرین لحظات عمر امام حسین علیه السلام، حضرت زینب علیه السلام از خیمه‌ها بیرون

۱- کلمات الامام الحسين علیه السلام، ص ۴۷۷.

۲- تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۴۵.

۳- الارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۱۲.

نیست؟»

این کلمات عاطفه برانگیز آنچنان مؤثر بود که ثمرات آن در سال‌های بعد مشخص شد و تا به امروز انسان‌های بیدار و با وجدان را تحت تأثیر قرار داده و به اهداف عاشورا متوجه می‌سازد.

۵- استفاده از وسائل ارتباط

جمعی

مبلّغ باید از پیشرفته‌ترین وسائل ارتباط جمعی عصر در پیشبرد اهداف خویش بهره‌گیری کند. امروزه تنها منبر و سخنرانی در مجالس مذهبی برای مبلّغ دینی کافی نیست، بلکه برای رساندن پیام حق به گوش مردم و مشتاقان معارف زلال اسلام باید از تمام ابزارهای مفید استفاده کرد. نشر کتاب و مطبوعات، استفاده از رادیو، تلویزیون، برنامه‌های رایانه‌ای، گفت‌گوها و گردهمایی‌های متنوع، حضور در جمع کسانی که غالباً به مجامع و مجالس مذهبی نمی‌آیند و رساندن معارف حقیقی دین به گوش آنان، نوعی بهره‌گیری از وسائل ارتباط جمعی در عصر ما به شمار می‌آید.

امام حسین علیه السلام برای تبلیغ فرهنگ

عاشورا از بهترین وسائل ارتباطی عصر خود بهره‌می‌گرفت. در آن روزگاران، امام حسین علیه السلام برای اینسکه هدف قیام و فلسفه حرکت حماسی خود را به گوش امت اسلامی برساند، مراسم حج و شهر مکه را انتخاب نمود و در اجتماعات مهم حاجیان، سخنرانی‌های روشنگرانه و هدایت بخشی را سازماندهی کرد.

آن حضرت برای رساندن پیام خویش و افشای سیاست‌های مزورانه و شیطانی معاویه خطاب به جمعیت حاضر در منا که از نقاط مختلف و قبایل گوناگون بودند چنین فرمود:

«اسْمَعُوا مَقَالَتِي وَ اَكْتُبُوا قَوْلِي ثُمَّ ارجعوا الی اَمْصَارِكُمْ وَ قَبَائِلِكُمْ فَمَنْ آمَنْتُمْ مِنْ النَّاسِ وَ وَتَقْتُمْ بِهِ فَاذْعُوهُمْ الی مَا تَعْلَمُونَ مِنْ حَقِّنَا فَاِنِّي اَتَخَوَّفُ اَنْ يَذْرُؤَسَ هَذَا الْاَمْرُ وَ يَذْهَبَ الْحَقُّ وَ يُغْلَبَ وَاللّٰهُ مُتِمِّمٌ نُّوْرِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛ سخنان مرا بشنوید و حرف‌هایم را بنویسید، آنگاه به شهرها و قبیله‌های خودتان باز گردید و آنچه در حق ما می‌دانید به دوستان صمیمی و افراد مورد اطمینان خودتان بگوئید.

و گزارشگران راستین صحنه عاشورا و پیام رسانان حقیقی و مستقیم اندیشه‌های امام حسین علیه السلام به نسل‌های بعدی شمرده می‌شوند.

این اقدام امام حسین علیه السلام، مطمئن‌ترین، سالم‌ترین و دقیق‌ترین شیوه اطلاع‌رسانی و انتقال فرهنگ عاشورا به افکار عمومی و وجدان‌های آگاه در زمان‌های بعد بود.

۶- مقدمه‌چینی و آماده کردن

مخاطب

در القای مطالب، فراهم نمودن زمینه‌های لازم و بیان نقطه نظرات با مقدمه‌چینی لازم، نقش بسیار مهمی در نفوذ سخنان یک مبلغ در دل‌های مخاطبان خویش دارد. این کار سبب می‌شود که گفته‌های مبلغ با جذابیت بیشتری در دل‌های شنوندگان بنشیند. بسیاری از نکات مهم را که به سادگی نمی‌توان آن‌ها را بیان کرد، می‌توان با زمینه‌سازی و به‌طور شیوا و دل‌انگیز به گوش مستمع رساند. در فرهنگ عاشورا برای بیداری مردم غفلت‌زده،

من اعلان خطر می‌کنم از این که این مطلب کهنه شده و از هم پاشد و حق از بین رفته و مغلوب شود. البته خداوند نورش را گسترش خواهد داد گرچه کافران آنرا نپسندند.^۱

آن حضرت در یکی دیگر از سخنرانی‌هایش، بعد از حمد و ستایش پروردگار و تبیین جایگاه اهل بیت علیهم السلام و ارتسباط آنان با خدا و رسول او، دوستانان حق را به همراهی خویش فراخوانده و در یک دعوت عمومی از همگان برای شرکت در حماسه عاشورا چنین فرمود: «مَنْ كَانَ لِأَذَى فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مَوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْيَتَزَحَّلْ مَعَنَا، فَأَنْتَ رَاحِلٌ مُضِحًّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى؛ هر کس حاضر است تا در راه ما از خون خویش بگذرد و جان خود را در راه شهادت [و لقای] پروردگار نثار کند، آماده حرکت با ما باشد که من انشاءالله تعالی صبحگاهان حرکت خواهم کرد.»

در این جا نباید از نقش زنان و کودکان در اطلاع‌رسانی از واقعه عاشورا به نسل‌های بعد چشم‌پوشی نمود. امام حسین علیه السلام آن‌ها را با خود به کربلا آورد و آنان به عنوان خبرنگاران

۱- فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۶۲.

۲- کشف الغممه، ج ۲، ص ۲۹، لهوف ابن طاووس، ص ۱۱۴.

نَبِيٌّ مَكَّةَ وَمِنِي، أَنَا بَيْنَ الْمَرْوَةِ وَالصَّفَا، أَنَا بَيْنَ مَنْ صَلَّى بِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ، ...^۲ ای مردم! من فرزند مکه و منایم، من فرزند مروه و صفایم، من پسر آن کسی هستم که با ملائکه آسمان نماز خواند ...»

بعد از اینکه امام سجاد علیه السلام جد بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را به طور مفصل معرفی نمود و سابقه درخشان خاندان پاک پیامبر را شرح داد، حقیقت حادثه عاشورا را که تا آن لحظه، از نظر مردم و افکار عمومی مخفی نگه داشته شده بود، برای آنان بیان کرد و سپس با تحریک عواطف و احساسات جمعیت حاضر، قلب‌ها را به سوی خویش جذب نموده و نتیجه مطلوب را به دست آورد و در آخر فرمود: «أَنَا بَيْنَ الْمَقْتُولِ ظُلْمًا، أَنَا بَيْنَ الْمَجْزُورِ الرَّأْسِ مِثْنِ الْقَفَا، أَنَا بَيْنَ الْعَطْشَانِ حَتَّى قَضَى، أَنَا بَيْنَ طَرْيِحِ كَرْبَلَا، أَنَا بَيْنَ مَسْلُوبِ الْعِمَامَةِ وَالرِّدَا، أَنَا بَيْنَ مَنْ بَكَتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ؟^۳ من فرزند کسی هستم که با ظلم و ستم به شهادت رسید، من پسر کسی هستم که سرش از

از این شیوه استفاده شده است. امام سجاد علیه السلام در خطبه روشنگرانه خود که در مسجد اموی شام ایراد نمود، آنچنان مقدمه چینی کرده و زمینه لازم را برای احیای اندیشه جاویدان عاشورا فراهم آورد که بعد از اتمام سخنرانی، مردمی که قبل از ایراد خطبه، او و همراهانش را به عنوان اُسرای خارجی و دشمنان خویش می‌پنداشتند، بعد از آن، حقیقت را فهمیده، صدای ناله و گریه بلند کردند و حکومت یزید در آستانه سقوط قرار گرفت.

آن حضرت بعد از حمد و ثنای پروردگار و درود و تحیت بر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ابتدا به طور خلاصه نکات قابل توجهی در بی وفایی دنیا و گذشت زمان و عمر انسان‌ها و ثمر نداشتن پشیمانی بعد از فوت وقت و مطالبی از این قبیل را شایسته‌تر از یک خطیب ورزیده و ماهر بیان نمود. آن گاه فرمود: «مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي، فَأَنَا عَلِيٌّ بَيْنَ الْحُسَيْنِ بَيْنَ عَلِيٍّ؛ هر کس مرا می‌شناسد که می‌شناسد و هر کس که مرا نمی‌شناسد

پس من علی بن حسین بن علی هستم.»

آنگاه به طور مفصل به معرفی خود و اهل بیت علیهم السلام پرداخت: «أَتَيْهَا النَّاسُ! أَنَا

۱- نور العین فی مشهد الحسین علیه السلام، ابو اسحاق

اسفراینی، ص ۶۹.

۲- همان.

۳- همان، ص ۷۰.

امام حسین علیه السلام را سد کرد، آن حضرت با او گفت و گویی انجام داد. آن گاه که حرّ از گفت و گو و مذاکره نتیجه‌ای نگرفت، به عنوان نصیحت به امام حسین علیه السلام گفت: ای حسین! برای خدا جانت را حفظ کن. و افزود: «فَاتَيْمِ أَشْهَدُ لَكِنَّ قَاتَلْتَ كَتَفْتَلَنُ^۱؛ من مطمئنم که اگر جنگ کنی کشته خواهی شد. امام حسین علیه السلام فرمود: «أَفَسِيَالَمَوْتِ تُخَوِّفُنِي؛ آیا مرا از مرگ می ترسانی؟» اما من به تو گفتار آن جوانمرد اوسی را یادآور می شوم. او هنگامی که به یاری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شتافته بود، در مسیر راه با پسر عمویش رو به رو شد. پسر عمو به او گفت: «کجا می روی؟ کشته خواهی شد!» آنگاه امام حسین علیه السلام اشعار پرمحتوا و بلیغ آن فداکار اوسی را قرائت کرد:

سَأْمُضِي وَمَا بِالْمَوْتِ غَاثٌ عَلَيَّ الْفَتْنِي
إِذَا مَا تَوَيْ حَقًّا وَجَاهَدَ مُنْسَلِمًا
وَوَاتَسَى الرَّجَالَ الصَّالِحِينَ بِنَفْسِهِ
وَفَارَقَ خَوْفًا أَنْ يَعْيشَ وَيَمْرَعَمًا^۲

«من می روم و مرگ برای یک جوانمرد عار نیست در حالی که مقصد او حق و تلاش او برای اسلام باشد.

قفا بریده شد، من پسر آن شهید تشنه کامی هستم که عطشان از دنیا رفت، من پسر کسی هستم که پیکرش در صحرای کربلا افتاده، من پسر کسی هستم که عمامه و عبایش به غارت رفت، من فرزند کسی هستم که ملانکه آسمان به حال او گریستند.»

۷- شعر و فرهنگ ادبی عاشورا

برای پاسداری و نشر فرهنگ و جهانی بینی قرآنی باید فرهنگ ادبی اسلام را پرورش داد، چرا که الفاظ فصیح و شیرین و کلام مناسب و بلیغ که از ادبیات ریشه می گیرد، در جانها و دلها نشست و اثر می گذارد. برعکس، الفاظ ناهنجار و کلام غیر بلیغ، کمترین نقشی در نفوس مخاطب نداشته، خستگی و بیزاری می آورد. در فرهنگ عاشورا جلوه‌های بارزی از شعر و ادب می توان یافت.

رجزها و اشعار پرمحتوای امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش و تمسک آنان به اشعار و ابیات مناسب و لازم در موارد خاص، می تواند نشانگر اهمیت این موضوع در حماسه جاودانی کربلا باشد. امام حسین علیه السلام در موارد زیادی با اشعاری پرمحتوا هدف خویش را به مخاطبین ابلاغ می کرد. هنگامی که حرّ راه کاروان

۱- البدایه و النهایه، ابن کثیر دمشقی، ج ۸، ص ۱۸۷.

۲- همان.

خطابه‌های قاطع، روشن‌گر و کوبنده، حوادث شب عاشورا، رد امان نامه توسط حضرت عباس علیه السلام و صدها مورد دیگر که همه تبلیغ عملی و درس انسانیت و آزادی و غیرت و شرف و در یک کلام آموزش غیر مستقیم تمام فضائل و کمالات انسانی می‌باشد.

به عنوان حسن ختام نمونه‌ای از سیره عملی و تبلیغ غیر مستقیم حضرت امام حسین علیه السلام را نقل می‌کنیم:

بعد از واقعه عاشورا مردان قبیله بنی اسد، هنگام دفن جسد مطهر امام حسین علیه السلام، در دوش آن حضرت اثر زخمی دیدند که متفاوت از جراحت‌های جنگی بود. زخم کهنه‌ای بود که هیچ شباهتی به زخم‌های روز عاشورا نداشت. از امام زین العابدین علیه السلام در مورد آن پرسش نمودند. پیشوای چهارم فرمود: این زخم در اثر حمل بار و کیسه‌های غذا و هیزم به خانه‌های بیوه زنان، یتیمان و مستمندان می‌باشد که پدرم شب‌ها بر دوش خویش آن‌ها را حمل می‌کرد.^۱

او در راه مردان صالح جانبازی نموده و از زندگی همراه با ترس و خواری و ذلت جدا گردیده و دور می‌شود.»

۸- تبلیغ عملی

با اینکه تبلیغ گفتاری تأثیر فراوان در رشد و هدایت افراد دارد و از دیر باز یک روش معمولی و جا افتاده بوده است، اما نتیجه تبلیغ عملی و غیر مستقیم پایدارتر و عمیق‌تر می‌باشد. آموزه‌های فرهنگ عاشورا به ویژه سیره امام حسین علیه السلام مملو از تبلیغات عملی و غیر مستقیم است. با نگاهی به فهرست حوادث زندگی امام حسین علیه السلام و یارانش - از روز حرکت از مدینه تا روز شهادت در کربلا - نمونه‌های فراوانی را می‌توان پیدا کرد که تک تک آن‌ها جلوه‌ای از تبلیغ عملی اهداف و منویات نهضت عاشورا و پاسداری از حقایق اسلام و معارف اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

پایداری در راه هدف، همراه نمودن اهل بیت و زنان و کودکان، رفتار مهربان و صمیمانه با خانواده و کودکان و یاران در اوج بحران‌های روحی، مصادره کاروان طاغوت، برخورد بالشگر حرّ و آب دادن به سربازان او، اقامه نماز در ظهر عاشورا،

۱- المناقب، ج ۴، ص ۶۶، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰.